

## بررسی میزان رعایت حقوق شهروندی متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی

### توسط ضابطان

محمود مطهرپور<sup>۱</sup>، اکبر وروایی<sup>۲</sup>، مرتضی صالحی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۷

از صفحه ۱۷۷ تا ۲۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۰

### چکیده

هدف این مقاله بررسی میزان رعایت حقوق شهروندی متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی توسط ضابطان قضایی است که بدین منظور پس از مشخص کردن مصداقهای حقوق شهروندی متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی، میزان رعایت این حقوق از سوی کارکنان رده‌های مختلف ناجا در سراسر کشور مورد سنجش قرار گرفته است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی، و از نظر روش، توصیفی و پیمایشی است. جامعه آماری تمام کارکنان اجرایی و صف ناجا در بخشهای مختلف در تمامی استانهای کشور بوده است. تعداد نمونه، ۵۳۹ نفر و با شیوه نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS انجام گرفت. حقوق شهروندی متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی به شش مؤلفه «اصول بنیادین حامی متهم»، «حقوق مربوط به حفظ امنیت جسمی و روانی و برخورداری از تدابیر حمایتی»، «حقوق مربوط به حفظ حریم خصوصی و حیثیت اجتماعی»، «حقوق مربوط به تضمین حقوق مالی»، «حقوق دفاعی متهم»، «حق برخورداری از معاضدتهای قضایی» تقسیم و گویه‌ها (مصداقهای مشخص شده از منابع قانونی) بر اساس آن تنظیم و با استفاده از تحلیل استنباطی داده‌های جمع‌آوری شده مشخص شد. در تمامی مؤلفه‌های ششگانه حقوق شهروندی متهمان، همبستگی معناداری بین میزان رعایت و میزان اهمیت وجود دارد و لیکن با توجه به ضریب همبستگی می‌توان گفت که رابطه قوی بین میزان اهمیت و رعایت وجود ندارد؛ یعنی میزان اهمیت و میزان رعایت حقوق شهروندی از دید ضابطان یکسان نیست و در تمامی مصداقهای مشخص شده، میزان رعایت از میزان اهمیت کمتر است. میزان رعایت حقوق شهروندی متهمان بر اساس دیدگاه جامعه آماری و از بیشترین به کمترین بدین ترتیب رتبه‌بندی شد: ۱. حقوق مربوط به تضمین حقوق مالی ۲. حقوق مربوط به حفظ حریم خصوصی و حیثیت اجتماعی ۳. حقوق دفاعی متهم ۴. حقوق مربوط به حفظ حریم خصوصی و حیثیت اجتماعی ۵. اصول بنیادین حامی متهم ۶. حق برخورداری از معاضدتهای قضایی. رسیدن به وضعیت مطلوب در رعایت حقوق شهروندی متهمان توسط پلیس به عنوان یکی از ضابطان، نیازمند اصلاحاتی در حوزه تقنین، سیاستگذاری، برنامه‌های آموزشی، تغییراتی در سامانه میزان ناجا و طراحی سامانه‌های پایشی در حوزه‌های ستاد و صف به منظور سنجش مستمر میزان رعایت حقوق شهروندی متهمان است.

### واژگان کلیدی

حقوق شهروندی، متهمان، تحقیقات مقدماتی، پلیس و میزان رعایت حقوق شهروندی متهمان

۱. دانشجوی دکتری مدیریت قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز دانشگاه امام صادق (ع)، (نویسنده مسئول).

رایانامه: Motaharpoor.isu@gmail.com

۲. استاد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم انتظامی امین. رایانامه: Varvae@chmail.ir

۳. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی. رایانامه: Mortezasalehi533@gmail.com

## ۱. مقدمه

در گذشته دست انداختن به هر روشی برای جمع‌آوری دلائل مجرمیت مشروع بوده است؛ چرا که هیچ مجرمی نباید از چنگال عدالت فرار می‌کرد. عدالت انتزاعی و مطلق برگرفته از این دیدگاه، حوزه‌ای برای حقوق و تضمینات متهم باقی نمی‌گذارد؛ اما امروزه شرافت ذاتی نوع بشر و کرامت وجودی او مبنای اساسی حقوق جهانی بشر و مورد پذیرش جهانیان قرار گرفته است. انسان امروزی شرافت و کرامت یافته و هویتی جهانی پیدا کرده است. این شرافت و کرامت، قیود متعددی را بر دست و پای حاکمان زده است به گونه‌ای که امروزه تحدید حاکمیت دولتها در پرتو حقوق جهانی بشر، مسلم و محتوم است. مقامات پلیسی و قضایی نیز به عنوان جزئی از حاکمیت مکلفند در رفتار خود با متهم به حقوق انسانی و ذاتی او احترام بگذارند و شرافت انسانی او را پاس دارند. از این دیدگاه حتی اگر مجرمی از چنگال عدالت فرار کند، بهتر است که بیگناهی اسیر مجازات ناعادلانه شود. آری جایگاه ممتاز انسان در نظام معرفتی امروز آثار عظیمی در حوزه‌های مختلف اجتماع به جای گذاشته و این وظیفه حکومتها است که با درک این مفهوم در راه حفظ شأن و جایگاه بشر امروز قیام و اقدام کنند.

آنچه همواره در دادرسیهای جزایی مورد نظر اندیشمندان حقوق بوده، عدم تساوی سلاحهای کیفری طرفین است. در دادرسیهای کیفری در یک کفه ترازوی عدالت، شخصی تنها و بی‌پناه به نام متهم است و در کفه دیگر آن علاوه بر شاکی، مجموعه‌ای از نیروهای پلیسی و امنیتی و نهاد قدرت تعقیب عمومی قرار دارند. برای اینکه جریان دادرسی، عادلانه صورت پذیرد، باید به حمایت از متهم پرداخت و ترازوی عدالت را میزان کرد تا عدالت اسیر حاکمیت مطلق نهادهای عمومی نشود و در نهایت اینکه بازیگران عرصه عدالت کیفری، انسانها هستند که آمیخته‌ای از عقل و احساس هستند. چه بسا قاضی تحقیق یا مأمور پلیس در مواجهه با جرم، به دلیل شدت و شناعت عمل انتسابی، اسیر احساسات شوند که همین برانگیختگی احساسی و تألم روحی می‌تواند به تضییع حقوق اساسی شهروندی متهم منجر شود؛ بدین ترتیب برای اینکه جمع‌آوری دلائل و رسیدگی به اتهامات انتسابی در فضای منطقی و عقلانی صورت پذیرد، باید تضمیناتی به نفع متهم مقرر شود و با وضع قوانین مناسب، حقوق شهروندی متهم را به رسمیت شناخت و به منظور رعایت آنها توسط مأموران انتظامی، ضمانت اجراهای لازم را در نظر گرفت. چه بسا قاضی یا مأمور پلیس تحقیق بدون نیت شرورانه و انگیزه غیرانسانی و حتی ممکن است به قصد احقاق حق به رفتارهایی چون آزار جسمی یا روحی متهم و کسب متقلبانه دلائل و ... مبادرت کند. بدون تردید وضع قوانین حمایتی در مورد متهم می‌تواند فضای حاکم بر دادرسی جزایی را

عقلانی و منطقی کند و تأثیر احساسات و عواطف مأموران قضایی و پلیسی بر روند دادرسی را به گونه چشمگیری کاهش دهد؛ آنچه بی‌شک مواجهه علمی و عقلانی با پدیده بزهکاری را ممکن و فراهم خواهد ساخت.

از سوی دیگر مهمترین مرحله فرایند دادرسی کیفری، تحقیقات مقدماتی است؛ چرا که اولاً مهمترین دلایل مرتبط با جرم در این مرحله جمع‌آوری می‌شود. در واقع نزدیکترین مرحله آیین دادرسی کیفری با زمان وقوع جرم، تحقیقات مقدماتی، و کشف یا عدم کشف جرم به این مرحله مربوط است. به همین علت گفته شده است که سنگ بنای هر پرونده کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی گذاشته می‌شود. ثانیاً بحث بر سر مهمترین حقوق افراد شامل حق آزادی و حق حریم خصوصی در این مرحله صوت می‌گیرد؛ حقوقی که می‌توان آنها را بزرگترین عطایای الهی نامید. بنابراین بازداشت کردن افراد و نقض حریم خصوصی آنان، که با مهمترین حقوق افراد مرتبط است، در مرحله تحقیقات مقدماتی صورت می‌گیرد. ثالثاً به لحاظ روانشناختی نیز تحقیقات مقدماتی، مرحله مهمی به شمار می‌رود؛ زیرا غلیان عواطف و احساسات در فاصله کمی پس از وقوع جرم نمود بیشتری دارد.

پلیس به عنوان مهمترین نیرویی که حفظ امنیت داخلی را بر عهده دارد در راستای تأمین حقوق شهروندان، ناگزیر از کارهایی است که به درست یا نادرست، تعرض به آزادی یا امنیت یا دیگر حقوق شهروندی نامیده می‌شود. برای یافتن راهکاری برای برونرفت از این چالش و تعارض درونی و وظائف پلیس، بررسیهای ژرف و آموزش هدفمند حقوق شهروندی بایسته و شایسته است. با این نگاه، کارآمدی پلیس در گرو آموزش حقوق شهروندی به اجزای این نیرو و عموم شهروندان است. ارائه آموزشهای لازم برای روشن شدن اذهان عمومی نسبت به حقوق شهروندی و چگونگی صیانت آن توسط پلیس، برخی برداشتهای نادرست را از میان بر می‌دارد. آموزش حقوق مورد احترام شهروندان به پلیس نیز موجب می‌شود اجزای این نیروی امنیتی از تعرض به حقوق شهروندان، هر چند متهمان و مجرمان بپرهیزند تا از این رهگذر، کارآمدی پلیس در تأمین حقوق شهروندی به دست آید.

نقش مؤثر و کلیدی پلیس به عنوان ضابط دادگستری در رعایت حقوق شهروندی بر هیچ کس پوشیده نیست؛ چرا که هرگونه بی‌اطلاعی، سهل‌انگاری یا تضییع عمدی حقوق شهروندی موجب کاهش و سلب اعتماد عمومی به ضابطان دادگستری، گسترش بی‌نظمی، گسترش بی‌عدالتی و تبعیض، نقض حریم کرامت انسانی و... خواهد شد. نقش ویژه ضابطان دادگستری همچون تیغی دو لبه عمل می‌کند که تنها در صورت رعایت توازن و تعادل بین مثلث حقوق متهم، حقوق

بزه دیده و حقوق جامعه، کارآمدی و اثربخشی لازم را برای اهداف نظام عدالت کیفری خواهد داشت. اگر ضابطان به هر دلیلی گرایشی پررنگتر به یکی از این اضلاع سه گانه داشته باشند، عدالت و آرامش و نظم عمومی، نخستین قربانی این نگاه تبعیض آمیز خواهد بود؛ زیرا متهم مورد تعقیب اگر خود را در وجدانش بیگناه بدانند، امیدش این است که ضابطان قضایی به قدری بیطرف و آگاه از وظایف خود و مسلط بر کار خود باشند که با تدبیر بموقع، گنهکار و ناکرده بزه نزد مقام قضایی براحتی شناخته شود و یا در صورت گنهکار بودن، اطمینان داشته باشند که بیش از آنچه به عنوان متهم یا حتی مجرم استحقاق دارند به حریم کرامت انسانی و جان و مال آنها تعرضی نخواهد شد و صرف متهم بودن آنها به معنای مباح بودن هرگونه تعرض به حقوق و آزادیها و کرامت آنها نیست.

قسمت عمده چالشهای پلیس با شهروندان در ایفای نقش پلیس به عنوان ضابط قضایی بروز می‌کند. حقوق شهروندی، که به عنوان متهم در اختیار نیروی انتظامی یا پلیس قرار می‌گیرد، محل چالش است. از یک سو، متهم و حتی مجرم، حقوق ویژه‌ای دارد که برآمده از حقوق شهروندی است. از سوی دیگر، متهم ممکن است مجرم نباشد و نمی‌توان به صرف اتهام شخص، حقوق شهروندی وی را نادیده گرفت. برای شناسایی و صیانت از حقوق شهروندی متهم، که باید از سوی پلیس مورد ملاحظه قرار گیرد، باید به قوانین لازم‌الاجرائی مراجعه کرد که در این خصوص تصویب شده است؛ لذا همان گونه که پیشتر هم بیان شد از آنجا که بی‌توجهی و عدم رعایت حقوق شهروندی، آثار زیانبار اجتماعی به دنبال خواهد داشت، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که میزان رعایت حقوق شهروندی متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی (مهمترین مرحله دادرسی کیفری) که باید از سوی ضابطان قضایی مراعات شود، چگونه است. نتایج، به شناسایی نقاط ضعف و قوت رعایت حقوق شهروندی متهمان توسط پلیس و برنامه‌ریزیهای لازم برای دستیابی به وضعیت مطلوب کمک شایانی خواهد کرد.

## ۲. پیشینه پژوهش

همان گونه که از عنوان پژوهش برمی آید، سه بحث «حقوق شهروندی متهمان»، «تحقیقات مقدماتی» و «حقوق و وظایف ضابطان قضایی» با این پژوهش در ارتباط است که در مورد مسائل مرتبط با آنها تحقیقاتی به شرح ذیل انجام شده است.

ساریخانی، عادل (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «حقوق شهروندی متهم در تعامل پلیس در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴» در فصلنامه پژوهشهای اطلاعاتی و جنایی

به بررسی نقش ضابطان در احیای حقوق شهروندی متهمان بر اساس قانون آیین دادرسی ۱۳۹۲ پرداخته و چنین نتیجه گرفته است که این قانون نسبت به قوانین سابق نکات ارزشمند بسیاری را در راستای تعالی و رعایت هر چه بیشتر حقوق شهروندی متهمان در تمام مراحل دادرسی کیفری بویژه در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی مقرر کرده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد تکالیف ضابطان دادگستری در آن نسبت به قانون سابق از لحاظ کمی گسترده‌تر و از لحاظ کیفی، دقیقتر و صریحتر و با نوآوری‌هایی بخصوص در حوزه رعایت حقوق شهروندی متهمان همراه است. باقری، علی احمد (۱۳۹۵) در ماهنامه دادرسی در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش ضابطین دادگستری در رعایت حقوق شهروندی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی» بر اهمیت عملکرد ضابطان دادگستری در فرایند دادرسی کیفری بویژه در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی که خطر تضییع حقوق متهم وجود دارد، تأکید کرده و تصویب قانون آیین دادرسی کیفری جدید و تصریح به لزوم رعایت حقوق شهروندان را گامی مهم به منظور تضمین حقوق بنیادین افراد در رسیدگی‌های کیفری دانسته که بخش عمده‌ای از این تکالیف قانونی متوجه ضابطان دادگستری است. نگارنده به مصداق‌هایی هم‌چون اصل برائت، قانونی بودن کشف و تحقیق، منع شکنجه و رفتار غیر انسانی، منع احضار بی دلیل افراد، رعایت حرمت مسکن و اماکن و اشیاء حق برخورداری متهم از وکیل و لزوم تفهیم این حق، حق سکوت و ... به همراه ضمانت اجراهای کیفری یا انتظامی عدم رعایت آنها اشاره کرده است. اسکندری و نیک‌خو (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی قوانین مربوط به حقوق شهروندی و ارائه پیشنهادها برای کارآمدی با تأکید بر وظایف و اختیارات کارکنان ناجا» مقررات مربوط به نقش ضابطان در رعایت حقوق شهروندی در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را به منظور ارائه راهکارهایی برای لحاظ قرار دادن آن در اقدامات کارکنان ناجا بررسی کرده و مهمترین اشکالات وارد در این حوزه را ابهام و اجمال مواد قانون، عدم تعیین ضمانت اجرا، جامع نبودن مقررات تصویب شده، عدم تعیین ساز و کار اجرای برخی تکالیف، به کار بردن اصطلاحات و عبارات حشو و زاید، عدم تبیین درست اصطلاحات متن قوانین، پراکنده‌گویی و عدم یکپارچگی برخی تکالیف قانونی بر شمرده و در هر مورد مناسبترین راهکار را برای اصلاح قوانین پیشنهاد کرده‌اند. قبلی، زاله (۱۳۹۴) در پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «تحقیقات مقدماتی و حقوق دفاعی متهم در آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲» در راستای پرسشهای اصلی تحقیق (۱. قانونگذار چه نوآوری‌هایی در رابطه با فرایند تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی کرده است؟ ۲. قانونگذار چه نوآوری‌هایی در رابطه با

حقوق دفاعی متهم در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی کرده است؟) به شرح مرحله تحقیقات مقدماتی و مهمترین قوانین درباره وظایفی پرداخته است که بازپرس و ضابطان در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در مرحله تحقیقات مقدماتی ایفا می‌کنند و ضمن تحلیل اقسام حقوق دفاعی متهم، راهکارهایی به منظور حفظ حقوق شهروندی و پیشنهادهایی به منظور ارتقای حقوق متهم ارائه کرده است. در پایان و در راستای سؤالات پایان‌نامه نتیجه گرفته شده است که: ۱. تغییراتی در چگونگی معاینه محل و تحقیق محلی، تفتیش و بازرسی با تأکید بیشتر بر حفظ حریم خصوصی شهروندان و حمایت‌هایی از شهود و مطلعان صورت پذیرفته است. ۲. از جمله نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ می‌توان به اعلام حق سکوت، گرفتن آخرین دفاع در مرحله تحقیقات مقدماتی، حق داشتن وکیل در مرحله تحت نظر و تفهیم آن به متهم و همچنین برخی اصول مانند اصل برائت، اصل بیطرفی و استقلال قضات، تأکید بر اصل برابری سلاحها اشاره کرد که متضمن حقوق دفاعی متهم و تشکیل دادرسی عادلانه است. بیرانوند، رضا و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «وظایف پلیس شهروند مدار در رعایت حقوق شهروندی متهمان» در مجله دانش انتظامی ضمن بررسی برخی از قوانین شکلی و ماهوی حوزه حقوق شهروندی متهمان در ارتباط با وظایف پلیس، لایحه جدید آیین دادرسی کیفری را بررسی کرده‌اند تا نقش و جایگاه پلیس شهروندمدار در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی بر حفظ و رعایت حقوق شهروندی متهم را تبیین کنند. نتایج حاکی است که حقوق شهروندی متهم در قوانین اساسی و عادی مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است؛ لیکن در برخی از موارد، وظایف پلیس در مرحله تحقیقات مقدماتی تبیین نشده است که البته در لایحه جدید با ذکر مواردی از قبیل اعلام حقوق شهروندی متهم توسط پلیس و مراجع ذی‌ربط، وظایف آنان به طور شفافتری مشخص شده است. در این راستا پیشنهادهایی از قبیل ایجاد فرهنگ ترویج حقوق شهروندی، تعامل هر چه بیشتر پلیس و دستگاه قضایی، توسعه نظارتهای منظم بر عملکرد پلیس در رعایت حقوق شهروندی متهم و ارتقای دانش پلیسی در این زمینه ارائه شده است. رضوی، محمد و خزایی، سید علی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «حقوق شهروندی در فرایند کشف جرم» در فصلنامه دانش انتظامی با تأکید بر اینکه آنچه در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی مدنظر پلیس است، یافتن واقعیت است و لازمه آن هم این است که دلایل بیگناهی متهم نیز جمع‌آوری شود، اضافه می‌کنند کشف جرم باید به گونه‌ای باشد که علاوه بر تأمین منافع جامعه، شهروند بیگناه را نیز در اثبات بیگناهی یاری کند. در حفظ منافع جامعه نباید حقوق و منافع فرد قربانی شود بلکه باید میان این دو تعادل برقرار کرد؛ این مهم برآورده نمی‌شود مگر اینکه حقوق

متهم در جریان کشف جرم و تحقیقات مقدماتی رعایت شود. این حق متهم است که از حقوق خویش در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی و ضمانت اجراهای کافی نقض آنها آگاه شود و در صورت تعرض به حقوقش توسط بازپرس یا ضابطان قضایی، راه‌های جبران خسارت و اعاده حیثیت را بداند. نهایتاً نویسندگان بر اساس مطالب بیان شده، نتیجه گرفته‌اند، شکنجه و آزار و اعمال مجازات‌های غیرانسانی برای گرفتن اقرار، دستگیری و بازداشت خودسرانه اشخاص ممنوع است و اصول مختلفی از جمله اطلاع فوری از علل دستگیری و بازداشت، رسیدگی به اتهام در مدت زمان معقول، برخورداری از تضمینهای دفاع، ضرورت حفظ شأن و شخصیت انسانی متهم و لزوم جبران زیانهای وارد بر بازداشت شدگان بیگناه نیز باید در این مرحله حساس از دادرسی رعایت شود. مقیمی، مهدی و نیاز خانی، مرتضی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «حقوق شهروندی متهمان در مرحله کشف جرم توسط پلیس» در مجله کارآگاه بیان داشته‌اند که پلیس در مقام کشف جرم، اختیارات ممتازی دارد که گاهی ممکن است به سلب آزادیهای مشروع شهروندان و یا نقض حقوق آنان منجر شود. نویسندگان با بررسی مفاهیم کشف جرم و حقوق شهروندی به تلفیق عملکرد پلیس در این زمینه با حقوق شهروندی پرداخته و در دو بخش، مهمترین حقوق شهروندی و یا آزادیهای اساسی «شخص تحت تعقیب» و «بزه دیده از جرم» را تبیین و تشریح کرده‌اند که ممکن است بر اثر عملکرد اشتباه یا دیگر مسایل نقض شود؛ حقوقی چون خودداری از دستگیری خودسرانه، حق فرض بیگناهی (اصل برائت)، حق اطلاع از دلایل دستگیری، حق تفهیم اتهام، حق اطلاع به خانواده و وکیل، حق مقاومت در برابر اقدامات غیرقانونی پلیس و ... در رابطه با شخص تحت تعقیب و حق دادخواهی، حق برابری و منع هرگونه تبعیض و ... در ارتباط با قربانی جرم. در انتها نیز در راستای رعایت هرچه بیشتر حقوق شهروندی، پیشنهادهایی همچون نگارش حقوق شهروندی شامل وظایف و اختیارات پلیس و حقوق شهروندان، برگزاری دوره‌های دایمی در زمینه حقوق کیفری مرتبط با حقوق شهروندی برای ضابطان قضایی بویژه نیروهای انتظامی ارائه کرده‌اند.

با توجه به این توضیحات، نوآوری این پژوهش از دیگر تحقیقات مشخص می‌شود؛ چرا که بیشتر قریب به اتفاق پژوهشها توصیفی و کیفی است که نهایتاً مصداقهای حقوق متهمان استخراج شده که در این تحقیق نیز از آنها استفاده شده است؛ لیکن تأکیدی که در این پژوهش بر مرحله تحقیقات مقدماتی وجود دارد و نیز استفاده از سامانه میزان ناجا و مقایسه با داده‌های توزیع پرسشنامه‌ها و بررسی میزان اهمیت این حقوق از دید پلیس (ضابطان دادگستری) و نیز سنجش میدانی میزان رعایت حقوق مزبور از سوی آنها در سراسر کشور سابقه نداشته است.

### ۳. مبانی نظری پژوهش

بحث و بررسی در مورد حقوق شهروندی متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی توسط ضابطان قضایی و اساساً قضاوت در مورد نقض یا تأمین حقوق شهروندی در هر نظام حقوقی عدالت مدار به تبیین دقیق معنای اصطلاحات حقوق شهروندی، متهم، تحقیقات مقدماتی و ضابطان قضایی وابسته است؛ چرا که بدون دستیابی به مقصود مشترک نمی توان به حوزه مباحث چالشی وارد شد؛ زیرا تطابق مفهومی از واژه ها وجود ندارد.

#### ۳-۱. شهروند

«شهروند» ترجمه فارسی Citizen و ریشه آن، واژه لاتینی سیویتاس (Civitas) است این کلمه در زبان لاتینی معادل کلمه پلیس (Polis) در زبان یونانی به معنای شهر است؛ اما شهروند در دائرة المعارف انگلیسی "Wiktionary" چنین تعریف شده است: «شخصی که به صورت قانونی مقیم یک شهر، دولت یا کشور شناخته می شود»<sup>۱</sup>. شهروند در فرهنگ حقوقی لاتین، شخصی تعریف شده که در مقابل دولت متعهد، و از سویی از حمایت او برخوردار است (James E. clapp, ۲۰۰۸، ص ۸۴). هم چنین شهروندی رابطه ای حقوقی بین فرد (Individual) و دولت (State) به معنای اعم آن، که حکومت است به مثابه نتیجه ای از مجموع مزایا و حقوق مسلم فرد است که تکالیف و تعهدات مشخصی را نسبت به آن (دولت) بر عهده می گیرد (William J Stewart, ۲۰۰۱، ص ۶۵). این لفظ در ادبیات حقوقی ما سابقه چندانی ندارد. در ایران تا قبل از مشروطیت به جای این واژه از کلمه "رعیت" و "رعایا" استفاده می شد. در فرهنگ های عمومی مثل فرهنگ معین یا فرهنگ عمید یا امثال آنها، کلمه شهروند تعریف نشده است. فقط در فرهنگ های دوزبانه حبیب و آریان پور کلمه شهروند "Citizen" به معنی بومی؛ شهری؛ اهل شهر؛ تابع؛ رعیت؛ شهرنشین که از خدمت لشکری و شهربانی آزاد باشد، تعریف شده است. ظاهراً اولین فرهنگ فارسی به فارسی، که کلمه شهروند را در خود جای داده، « فرهنگ فارسی امروز » است. در این فرهنگ، شهروند چنین تعریف شده است: کسی که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار شود (صدری افشار و حکمی، ۱۳۹۱، ص ۵۸۴). هم چنانکه واژه های اهلیت - تابعیت به معنی بهره مندی از حقوق بومیان یا شهرنشینان تعریف شده است. در ترمینولوژی حقوق دکتر محمد جعفر لنگرودی، ذکری از آن به میان نیامده است؛ حتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در هیچ کجا کلمه شهروند به کار گرفته نشده است. قانون اساسی در فصل سوم از حقوق ملت صحبت می کند؛ اما واژه شهروند را به کار نمی برد.

1. The person that is legally recognized resident of a city, state or country: Wikitionary encyclopedia.



از ملاحظه تعاریف گوناگون درباره شهروند دو معنای کلی استنباط می‌شود؛ نخست شهروند به معنای بشر و نوع انسان که مصداق آن شامل تمامی انسانها است از هر جنس و نژاد و رنگ و کشور و دین و مذهب و... و دیگر شهروند به معنای انسانهای ساکن و مقیم در هر کشور اعم از اتباع و بیگانگان که در سرزمین یک دولت-کشور و تحت قدرت آن دولت-کشور هستند (قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، ۱۳۸۲، ص ۵۹).

شهروند فردی است که در ارتباط با دولت است و از سویی از حقوق سیاسی و مدنی برخوردار است و از سوی دیگر در برابر دولت تکالیفی به عهده دارد. این رابطه را شهروندی گویند. چگونگی رابطه شهروندی (حقوق فردی و تکالیف او در برابر دولت) را قانون اساسی و قوانین مدنی کشور معین می‌کند. شهروندی در عین حال منزلتی است برای فرد در ارتباط با دولت که از دید حقوق بین‌الملل نیز محترم شمرده می‌شود. حقوق بین‌الملل از جهت رعایت این رابطه (یعنی مسئولیت دولتها برای مراعات حقوق شهروندان دولتهای دیگر) الزاماتی را برای دولتها در نظر گرفته است (آشوری، ۱۳۸۰، ص ۶۳). مفهوم شهروندی از گذشته تا کنون تحولات بسیاری یافته و هنوز هم اجماعی میان حقوقدانان درباره آن پدید نیامده است. باور عمومی این است که «شهروندی» جایگاه قانونی است که به موجب آن افراد هر کشور به عنوان عضو جامعه، هم دارای حق و هم دارای تکلیف هستند. این جایگاه یا از طریق تولد در کشور به دست می‌آید و یا از طریق تابعیت گرفتن که روند اداری درخواست از حکومت برای اعطای تابعیت و یا از طریق اقامت است. برخی حقوقدانان بر این باورند که شهروند به کسی گفته می‌شود که به دلیل عضویت در یک واحد سیاسی یعنی دولت-کشور دارای حقوق سیاسی، اجتماعی، مدنی و فرهنگی است. آنان معتقدند شهروندی با مقوله تابعیت ارتباطی استوار دارد (اردبیلی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۲۵). در واقع مطابق این دیدگاه، شهروند فردی است که تحت حاکمیت و حمایت دولت قرار دارد و دارای حقوق مدنی و تکالیفی نسبت به دولت است. برخی دیگر معتقدند اگرچه مفهوم شهروندی با مفهوم تابعیت هم مرز است و چه در مسائل مربوط به حقوق اساسی، چه در مسائل مربوط به حقوق بشر و چه در حقوق بین‌الملل، بعضی مسائل مربوط به حقوق شهروندی با مباحث مربوط به تابعیت در هم آمیخته می‌شود، اما این امر به این معنا نیست که این دو مفهوم کاملاً بر هم منطبق است؛ به عبارت دیگر، اگرچه در تعریف شهروندی و تابعیت تعلق به جامعه سیاسی و مدنی مورد تأکید است در عین حال، حقوق بشر عاملی است که شهروندی را از تابعیت جدا می‌کند. اینان معتقدند حقوق بشر مرز بین شهروندی و تابعیت محض است. مفهوم کلاسیک و رایج تابعیت، که در حقوق داخلی و بین‌الملل مطرح است، نمی‌تواند مؤلفه‌های شهروندی را به طور کامل پوشش

دهد؛ از این رو برای تکمیل مفهوم شهروندی باید مفهوم حقوق بشر را مورد توجه قرار داد (همان، ص ۲۹)؛ به همین دلیل است که از نظر بسیاری از حقوقدانان، حقوق شهروندی، حقوق ناشی از قانون اساسی هر کشوری تلقی شده که در اثر اقامت افراد در کشور خاصی به آنها اعطا شده است.

### ۲-۳. حقوق شهروندی

نویسندگان، اندیشمندان و سیاستمداران، تعبیر حقوق شهروندی را در معانی مختلفی به کار برده‌اند. بر همین اساس شاید بتوان این عبارت را مشترک لفظی دانست؛ چنانکه برخی از این معانی با یکدیگر همپوشانی دارد و عده‌ای از مصداقها را در بر می‌گیرد و برخی دیگر هیچ گونه مصداق مشترکی ندارد و دو حوزه جدا را شامل می‌شود؛ اما دو مفهوم بیش از مفاهیم دیگر درباره این واژه به کار رفته است: در مفهوم نخست حقوق شهروندی دقیقاً ترجمه واژه "Citizenship rights"، و عنصر ذاتی آن تابعیت است و در بستر ملی معنا می‌یابد و عمدتاً شامل حقوقی مانند حق تعیین سرنوشت، مشارکت در اداره کشور و ... می‌شود. نگارنده از این مفهوم با عنوان حقوق شهروندی در معنای مضیق یاد می‌کند؛ اما در مفهوم دیگر حقوق شهروندی عمومیت دارد و شهروند در این تعبیر مترادف انسان بما هو انسان اما در دنیای متمدن است و تمامی حقوقی را که هر انسان در عصر کنونی داراست در بر می‌گیرد.

در مفهوم مضیق، شهروندی به حقوقی ناظر است که شهروندان به منظور اداره مملکت خویش دارا هستند و این حقوق در مواجهه شهروند با دولت معنا می‌یابد؛ لذا علی القاعده مطالعه و بررسی این حقوق در حوزه علوم سیاسی و حقوق عمومی قرار می‌گیرد و مشارکت سیاسی عنصر جدانشدنی این مفهوم خواهد بود. گواه این ادعا تعاریفی است که در کتابهای پایه علوم سیاسی از "شهروندی" ارائه شده است؛ چنانکه در دائرةالمعارف دموکراسی ذیل واژه شهروندی آمده است: مفهوم شهروندی را، که در سده نوزدهم رواج یافت، باید مجموعه‌ای از حقوق و وظایف بدانیم که رابطه دولتهای ملی و یکایک شهروندانشان را معین و مشخص می‌کند (یپست، سیمور مارتین، ۱۳۸۳، ص ۹۵۰). هم‌چنین مفهوم شهروندی در دانشنامه سیاسی این گونه تعریف شده است: «مفهوم شهروندی همراه با فردیت و حقوق فرد در اروپا پدید آمده است و اساساً کسی "شهروند" شمرده می‌شود که تنها فرمانگذار دولت نباشد بلکه از "حقوق فطری" و "طبیعی" نیز برخوردار باشد و دولت این حقوق را رعایت و از آنها حمایت کند» (آشوری، داریوش، ۱۳۶۶، ص ۲۲۱ و ۲۲۲). از نظر گیدنز، فرد و جامعه در تقابل با هم قرار نمی‌گیرند؛ بلکه فرد از طریق اعمال حقوق و تعهدات، شرایط ضروری شهروندی را باز تولید می‌کند (فالكس، کیث، ۱۳۸۱،

ص ۵۶). تی. اچ. مارشال<sup>۱</sup> جامعه‌شناس مشهور انگلیسی، که نظریات او در باب حقوق شهروندی در بسیاری از کتابها و مقالات اندیشمندان مورد استناد قرار می‌گیرد، شهروندی را پایگاهی می‌داند که اعضای تمام عیار اجتماعی دارای آن هستند. به تعبیر مارشال شهروندان دارای حقوق، وظایف و تکالیف برابر هستند. مارشال در مقاله «شهروندی و طبقه اجتماعی»، شهروندی را دارای اصل بهره‌مندی از مجموعه حقوق سه گانه (مدنی، سیاسی و اجتماعی و اقتصادی) می‌داند که به واسطه نهادها و ساختارهای شایسته توسعه می‌یابند (T.H.Marshall, ۱۹۵۰). بنابراین در معنای مضیق، حقوق شهروندی (Dorit Civique) حقوقی است برای اتباع کشور در رابطه با مؤسسات عمومی، مانند حقوق سیاسی، حق استخدام عمومی، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی، حق داور و مصدق واقع شدن. بر این اساس، این تعبیر اعم از حقوق سیاسی است (ماده ۳۴ قانون جزای فرانسه؛ جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۸، ص ۱۷۳۰)؛ اما در مفهوم موسع حقوق شهروندی با مقوله حقوق انسانی و فطری نسبت نزدیکی دارد با این تفاوت که به این کلیت خلاصه نمی‌شود و مصداقهای جزئی‌تری را نیز در بر می‌گیرد که مقتضیات زیستن در قرون جدید پس از پیشرفت و توسعه تمدنهای گوناگون است. بنابراین در این دیدگاه، حقوق شهروندی به مرزهای جغرافیایی مقید نمی‌شود و ملیت و تابعیت عامل تحدیدکننده آن به شمار نمی‌رود. این تلقی از عبارت حقوق شهروندی با آموزه‌های دینی و اسلامی از حقوق انسان نزدیکی بسیاری دارد؛ چنانکه بارها در آیات قرآن کریم و روایات ائمه معصومین (ع) بر کرامت انسانها صرف نظر از ویژگیهای فیزیکی و حتی اعتقادی تأکید شده است. انسان به دلیل کرامت شرافت مخصوص به خود برخی حقوق و آزادیهایی دارد که دیگر جانداران به دلیل فاقد بودن آن حیثیت و شرافت و کرامت ذاتی از آن حقوق و آزادیها بی‌بهره‌اند (مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۷). در هیچ دین و مکتبی به اندازه اسلام بر کرامت انسان تأکید نشده است. در این پژوهش معنای موسع حقوق شهروندی مطمح نظر است.

### ۳-۳. متهم

متهم واژه‌ای عربی به معنای بد نام شده و تهمت زده شده، بدنام، تهمت آلود، تهمت آلوده، مظنون، ظنین، بریم، کسی که مورد تهمت قرار گرفته باشد (دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، ص ۱۷۸۷۴). اسم و صفت عربی به معنای کسی که به او تهمت زده شده؛ کسی که کار بدی به او نسبت داده شده؛ مؤنث آن متهمه (متهم زن) ( عمید، حسن، ۱۳۸۹، ص ۱۶۳۰).

در اصطلاح حقوقی متهم کسی است که فاعل جرم تلقی شده ولی هنوز انتساب جرم به او

1. Thomas Humphrey Marshal(1893-1981).

محرز نشده است. در مقابل مجرم به کار می‌رود (جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۲، ص ۶۱۴)؛ کسی است که تهمت متوجه او است و هنوز رسیدگی به جرم مورد تهمت شروع نشده است و اگر شروع شده باشد به رأی لازم‌الاجرا پایان نیافته است. پس از صدور حکم قطعی در مورد اتهام و احراز بزه، او را مجرم گویند (جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۸، ص ۳۲۱۲). قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، تعریفی از متهم ارائه نکرده است؛ ولی در ماده یک اشعار می‌دارد: آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه وضع می‌شود. استفاده از کلمه متهم برای فرد تحت تعقیب در این ماده، اقدام شایسته و آگاهانه‌ای است که توسط قانونگذار صورت گرفته است تا از مجرم نامیدن وی قبل از صدور حکم قطعی خودداری شود؛ زیرا اطلاق عنوان مجرم به کسی که در فرایند تعقیب کیفری در پناه اصل براءت قرار دارد و تا اثبات مجرمیت وی در دادگاه، بیگناه فرض می‌شود، پسندیده نیست؛ به دیگر سخن در زمینه تعقیب، ما با فردی رو به رو هستیم که به ارتکاب جرمی متهم است؛ یعنی شخصی که ادعا شده جرمی را مرتکب شده است و روند رسیدگی‌های قضایی نیز برای بررسی این ادعا و احراز مجرمیت یا اعلام بیگناهی او به موجب حکم قطعی دادگاه صورت می‌گیرد (خالقی، ۱۳۹۵، ص ۲۳). همان طور که مشهود است، همه این تعاریف گرد یک محور اساسی دور می‌زند؛ یعنی وجود احتمال ارتکاب جرم. این احتمال با تعبیر گمان، شبهه، توجه تهمت، تلقی فاعل جرم بودن و ... مورد اشاره قرار می‌گیرد. بنابراین، متهم در برابر دو نفر قرار دارد که احتمال وقوع جرم در موردشان مطرح نیست: شخصی که اساساً شبهه‌ای درباره‌اش مطرح نیست و شخصی که وقوع جرم از او ثابت است. تقابل متهم با این دو شخص، آثار مهمی از نظر حقوقی دارد؛ بدین شرح که در تدوین مجموعه‌های قانونی یا تحقیقی با موضوع متهم، باید مسئله حقوق متهم - که در جنبه سلبی مفهوم متهم ریشه دارد - در کنار تکالیفی که از جانب او بر دوش جامعه یا ولی امر قرار دارد - و از جنبه ایجابی نشئت می‌گیرد - با هم مطالعه شود و در نتیجه رفتاری که با متهمان می‌شود به هیچ وجه نمی‌تواند در بردارنده کیفر و عقوبتی نسبت به او باشد. تمرکز بر یکی از این دو جنبه و نادیده گرفتن جنبه دیگر، موجب بی‌عدالتی و تضییع حقوق متهم خواهد شد (طوسی، فخار، ۱۳۹۱، ص ۲۴-۲۷).

از آنجا که پلیس به اقتضای وظیفه‌اش از اولین اشخاصی است که با چنین فردی در مرحله کشف جرم یا تحقیقات مقدماتی رو به رو می‌شود و احتمال تضییع حقوق متهم بویژه در این مراحل وجود دارد، بررسی میدانی میزان رعایت حقوق شهروندی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی توسط پلیس اهمیت ویژه‌ای دارد.

مرحله تحقیقات مقدماتی بر مبنای دکترین حقوقی در دو معنای عام و خاص به کار برده شده است. «در حقوق فرانسه نیز تحقیقات مقدماتی در دو معنای خاص و عام استعمال شده است» (علی‌آبادی، ۱۳۵۲، ص ۲۴۹)؛ در مفهوم عام «مجموعه اقداماتی است که به وسیله مقامات خاص قضایی برای کشف جرم، جمع‌آوری دلائل و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و اظهارنظر درباره قابل پیگیری بودن یا نبودن او به عمل می‌آید» (آخوندی، ۱۳۷۲، ص ۶۸)؛ اما تحقیقات مقدماتی در مفهوم خاص «فقط شامل اقدامات قاضی تحقیق در جمع‌آوری دلائل له یا علیه متهم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن و بالاخره اظهار نظر قضایی درباره بزهکاری یا بیگناهی می‌شود» (علی‌آبادی، ۱۳۵۲، ص ۲۳۹)؛ استفانی و همکاران، مترجم: دادبان، ۱۳۷۷، ص ۲۷۷؛ آشوری، ۱۳۷۹، ص ۶۰). در این تعریف، مرحله کشف جرم از تحقیقات مقدماتی مستثنی شده است. از نظر قانونی نیز مطابق ماده ۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری «تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقدامات قانونی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضایی برای حفظ آثار و نشانه‌ها و جمع‌آوری دلائل وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می‌شود».

### ۳-۵. ضابطان قضایی

از نظر لغوی ضابطان جمع «ضابط»، اسم عربی و به معنای فراهم آورنده، نگاهدارنده، نگاهدارنده چیزی، آن که ضبط مدینه و سیاست آن را از طرف سلطان بس باشد (دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، ص ۱۳۳۳۸). در ترمینولوژی حقوق ضابطان عدلیه (= پلیس قضایی) چنین تعریف شده‌اند: مأموران تفتیش و کشف جرایم و اقدامات راجع به جلوگیری از فرار و اختفا. عبارتند از دادستان و دادیاران او، بازپرس، کلانتران شهربانی، صاحبمنصبان، ژاندارمری (جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۹۲، ص ۴۵۳).

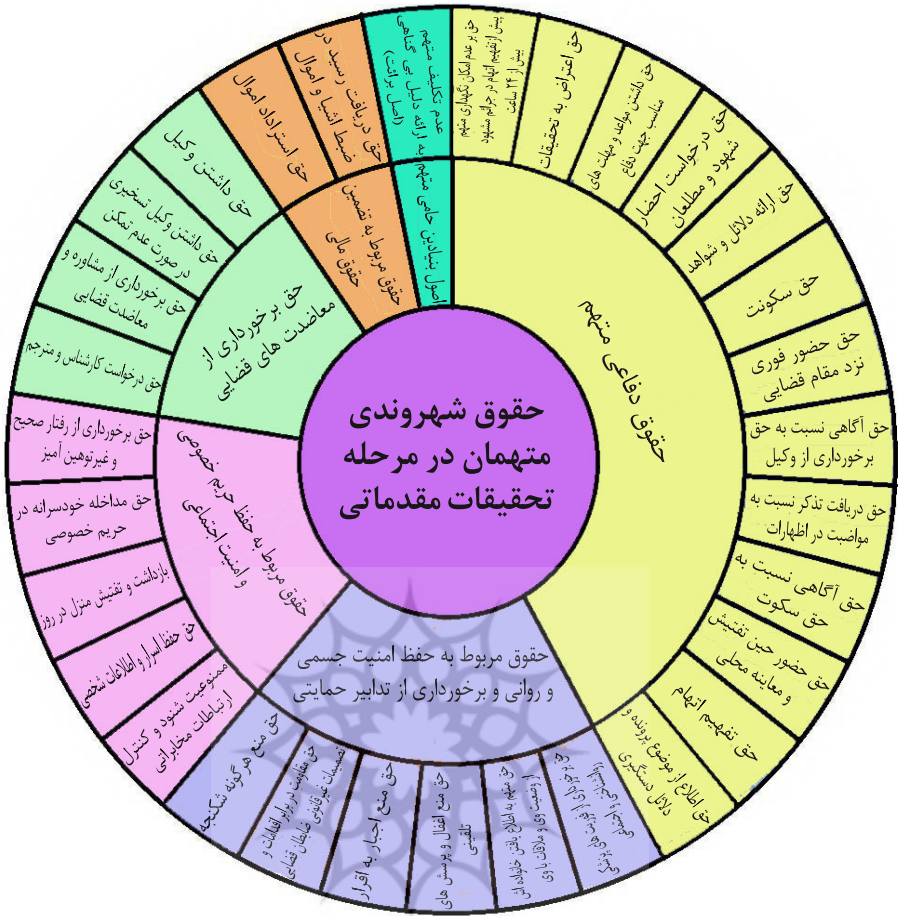
ضابطان دادگستری، بازوی اجرایی دادرسی و دادگاه در وظایفشان هستند. قانون، تکالیف زیادی برعهده ضابطان دادگستری قرار داده است که از نخستین لحظه‌ها پس از وقوع جرم تا واپسین دقایق اجرای مجازات را در بر می‌گیرد و شامل کشف جرم، گزارش وقوع آن به دادرسی، جلوگیری از محو دلائل و آثار جرم، جلوگیری از فرار متهم، اجرای دستور مقامات قضایی در تحقیق و بازجویی و ابلاغ اوراق قضایی می‌شود. ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)، که جایگزین ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری (۱۳۷۸)<sup>۱</sup> شده است، در مقام تعریف از ضابط اشعار می‌دارد:

۱. ماده ۱۵: «ضابطین دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلائل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌نمایند و عبارتند از:»

«ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و نشانه‌ها و جمع آوری دلائل وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌کنند». ضابطان دادگستری در وظایف خود، اختیاراتی دارند که به دلیل ارتباط نزدیک با متهمان و مجرمان می‌توانند موجبات تضييع حقوق شهروندی آنان را فراهم آورند. قانون آیین دادرسی کیفری، ضابطان را به دو دسته دادگستری و نظامی تقسیم کرده است. ضابطان دادگستری به دو دسته خاص و عام تقسیم شده‌اند. در این تحقیق منظور از ضابط، رده‌های مختلف نیروی انتظامی است که با توجه به تعاریف مواد ۲۹ و ۶۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری نیروی انتظامی حسب مورد می‌تواند ضابط عام یا ضابط نظامی باشد. می‌توان برای پلیس دو معنا قرار داد: عام و خاص که معنای عام پلیس عموماً به مأمورانی اطلاق می‌شود که صلاحیت وضع مقررات انتظامی و یا صدور دستورهای لازم‌الاجرا با آنهاست؛ به عبارت دیگر حق تصمیم‌گیری دارند؛ اما معنای خاص پلیس به عملکرد مأمورانی ناظر است که مجری مقررات و یا دستور انتظامی‌ای هستند که از سوی مقامات قضایی یا پلیس صادر شده است؛ برای مثال شهردار، فرماندار، استاندار و وزیر کشور، پلیس در مفهوم عام (مقامات پلیس) هستند و مأموران انتظامی (ژاندارمها و پاسبانها و کلانتران، بازرسان اداره آگاهی و دیگر ادارات) پلیس در مفهوم خاص (مأموران پلیس) به شمار می‌روند (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۱). در این پژوهش پلیس به معنای خاص مد نظر است.

### ۳-۶. مصداقهای حقوق شهروندی متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی

در متون قانونی مختلف (قانون اساسی، قانون آیین دادرسی کیفری و قانون آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی)، مصداقهای متعددی از حقوق شهروندی برای متهمان در مراحل مختلف دادرسی مشخص شده است. با توجه به حدود و ثغور موضوع تحقیق، که صرفاً بررسی حقوق شهروندی متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی است، مصداقهای حقوق شهروندی متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی، که پلیس به عنوان ضابط قضایی موظف به رعایت آنها است در قالب الگوی مفهومی و مؤلفه‌ها و گویه‌های ذیل به دست آمده است:



شکل (۱): الگوی مفهومی پژوهش

#### ۴. روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر نوع کاربردی، و از نظر روش، توصیفی و پیمایشی است. جامعه آماری شامل کارکنان اجرایی و صف ناجا در رده ها و بخشهای مختلف (آگاهی، بازرسی، پاسگاه، پاوا، فتا، کلانتری) در تمامی استانهای کشور بوده است. با توجه به فرصت محدود و گستره جامعه آماری از روش کل شمار برای نمونه گیری استفاده شد که با توجه به پرسشنامه های جمع آوری شده حجم نمونه تحقیق ۵۳۹ نفر هستند که با شیوه نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. به منظور جمع آوری اطلاعات مربوط به ادبیات و مبانی نظری تحقیق از روش مطالعات کتابخانه ای استفاده شده است که پس از مشخص کردن مؤلفه های مصداقهای حقوق شهروندی متهمان، از طریق روش دلفی

به نهایی‌سازی مؤلفه‌ها و ارائه الگو اقدام شد. گردآوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته با استاندارد طیف لیکرت پنج درجه‌ای صورت گرفت. قبل از توزیع پرسشنامه، اعتبار و پایایی و روایی آن با استفاده از دیدگاه استادان و کارشناسان خبره حوزه تحقیق از طریق اعتبار محتوی و پایایی آن در پایان تحقیق از طریق محاسبه آلفای کرونباخ در سطح ۹۶٪ مورد ارزیابی و تأیید قرار گرفت. این نتیجه مشخص می‌کند که تحقیق از اعتبار مناسبی برخوردار است؛ بنابراین برای تجزیه تحلیل داده‌ها از شیوه‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار spss انجام گرفت.

## ۵. یافته‌های پژوهش

### ۵-۱. جامعه آماری پژوهش

جامعه آماری پژوهش به شرح جدول زیر است:

جدول (۱): نمونه آماری پژوهش

ردیف	بخش	تعداد
۱	آگاهی	۷۰
۲	بازرسی	۲۰۰
۳	پاسگاه	۴۰
۴	پاوا	۵۰
۵	فتا	۳۹
۶	کلانتری	۱۴۰
تعداد نمونه	۵۳۹	۵۳۹

### ۵-۲. تحلیل توصیفی میزان اهمیت و میزان رعایت مؤلفه‌های پژوهش

در توصیف آماری شش مؤلفه اصلی در موضوع میزان اهمیت و رعایت پرسشنامه با فراوانی ۵۳۹؛ کمترین و بیشترین مقدار امتیاز به ترتیب ۱ و ۵ بود. در موضوع میزان اهمیت و رتبه‌بندی آن با استفاده از آزمون فریدمن، کمترین میانگین متعلق به مؤلفه پنجم «حقوق دفاعی متهم» ۴/۴۷ با انحراف معیار ۰/۵ و بیشترین مقدار میانگین متعلق به مؤلفه چهارم «حقوق مربوط به تضمین حقوق مالی» ۴/۶ با انحراف معیار ۰/۶۵ و در موضوع میزان رعایت و رتبه‌بندی آن کمترین میانگین متعلق به مؤلفه ششم «حق برخورداری از معاضدهای قضایی» ۳/۹۹ با انحراف معیار ۰/۹ و بیشترین مقدار میانگین متعلق به مؤلفه چهارم «حقوق مربوط به تضمین حقوق مالی» ۴/۳۷ با انحراف معیار ۰/۶۷ بود.



جدول (۲): رتبه‌بندی میزان اهمیت مؤلفه‌ها

رتبه مؤلفه	میانگین رتبه	مؤلفه
۱	۴/۵۹۴۶	حقوق مربوط به تضمین حقوق مالی
۳	۴/۵	اصول بنیادین حامی متهم
۲	۴/۵۳۱۴	حقوق مربوط به حفظ حریم خصوصی و امنیت اجتماعی
۴	۴/۴۹۲	حقوق مربوط به حفظ امنیت جسمی و روانی و برخورداری از تدابیر حمایتی
۵	۴/۴۷۵۴	حق برخورداری از معاضدتهای قضایی
۶	۴/۴۷۱۱	حقوق دفاعی متهم
<p>Chi-Square=۱۰۹/۴۷ Df=۵ sig=۰/۰۰۰</p>		

جدول (۳): رتبه‌بندی میزان رعایت مؤلفه‌ها

رتبه مؤلفه	میانگین رتبه	مؤلفه
۱	۴/۳۳۷۷	حقوق مربوط به تضمین حقوق مالی
۵	۴/۱۶	اصول بنیادین حامی متهم
۴	۴/۱۸۴۹	حقوق مربوط به حفظ امنیت جسمی و روانی و برخورداری از تدابیر حمایتی
۲	۴/۲۲	حقوق مربوط به حفظ حریم خصوصی و امنیت اجتماعی
۳	۴/۱۹۷۸	حقوق دفاعی متهم
۶	۳/۹۹۰۳	حق برخورداری از معاضدتهای قضایی
<p>Chi-Square=۱۰۳/۵۶ Df=۵ sig=۰/۰۰۰</p>		

۳-۵. تحلیل استنباطی میزان اهمیت و میزان رعایت مؤلفه‌های پژوهش

در این مرحله ملاکهای مورد نظر در میزان اهمیت و میزان رعایت مؤلفه‌های حقوق شهروندی متهمان مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول (۴): میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های پژوهش

شاخص‌های آماری			مرحله	مؤلفه
انحراف معیار	میانگین	فراوانی		
۰/۷۳۵	۴/۵۰	۵۳۹	اهمیت	اصول بنیادین حامی متهم
۰/۸۷۶	۴/۱۶	۵۳۹	رعایت	
۰/۵۳	۴/۴۹	۵۳۹	اهمیت	حقوق مربوط به حفظ امنیت جسمانی و روانی و برخورداری از تدابیر حمایتی
۰/۶۳	۴/۱۸	۵۳۹	رعایت	
۰/۵۴	۴/۵۳	۵۳۹	اهمیت	حقوق مربوط به حفظ حریم خصوصی و حیثیت اجتماعی
۰/۶۷	۴/۲۲	۵۳۹	رعایت	
۰/۶۶	۴/۶۰	۵۳۹	اهمیت	حقوق مربوط به تضمین حقوق مالی
۰/۶۷	۴/۳۴	۵۳۹	رعایت	
۰/۵۰	۴/۴۷	۵۳۹	اهمیت	حقوق دفاعی متهم
۰/۵۸	۴/۲۰	۵۳۹	رعایت	
۰/۵۷	۴/۴۸	۵۳۹	اهمیت	حق برخورداری از معاضدهای قضایی
۰/۸۹	۳/۹۹	۵۳۹	رعایت	



جدول (۵): آزمون T مستقل مؤلفه‌های پژوهش

sig	درجه آزادی	آماره t	تفاضل زوجها				مؤلفه	
			فاصله اطمینان ۹۵		انحراف استاندارد میانگین	انحراف معیار		میانگین
			حد بالا	حد پایین				
۰/۰۰۰	۵۳۸	۸/۴۱۸	۰/۴۱۶	۰/۲۵۹	۰/۰۴۰	۰/۹۳۱	۰/۳۳۸	اصول بنیادین حامی متهم
۰/۰۰	۵۳۸/۰۰	۱۱/۴۵	۰/۳۶	۰/۲۵	۰/۰۳	۰/۶۲	۰/۳۱	حقوق مربوط به حفظ امنیت جسمانی و روانی و برخورداری از تدابیر حمایتی
۰/۰۰	۵۳۸/۰۰	۱۰/۰۶	۰/۳۷	۰/۲۵	۰/۰۳	۰/۷۲	۰/۳۱	حقوق مربوط به حفظ حریم خصوصی و حیثیت اجتماعی
۰/۰۰	۵۳۸/۰۰	۷/۴۲	۰/۳۳	۰/۱۹	۰/۰۳	۰/۸۱	۰/۲۶	حقوق مربوط به تضمین حقوق مالی
۰/۰۰	۵۳۸/۰۰	۱۰/۹۶	۰/۳۲	۰/۲۲	۰/۰۲	۰/۵۸	۰/۲۷	حقوق دفاعی متهم
۰/۰۰	۵۳۸/۰۰	۱۳/۰۰	۰/۵۶	۰/۴۱	۰/۰۴	۰/۸۷	۰/۴۹	حق برخورداری از معاضدهای قضایی

نتایج بررسیها نشان داد که میزان اهمیت در مؤلفه‌ها در مقایسه با میزان رعایت از لحاظ آماری به طور معناداری بیشتر بوده است؛ به بیان دیگر مقدار sig از مقدار خطا ۵ درصد کوچکتر است؛ بنابراین در سطح خطای ۵ درصد و با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان بیان کرد که بین میانگین میزان اهمیت و میزان رعایت مؤلفه‌ها، تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جدول (۶): آزمون همبستگی پیرسون

sig	ضریب همبستگی	تعداد	مؤلفه
۰/۰۰۰	۰/۳۴۲	۵۳۹	اصول بنیادین حامی متهم
۰/۰۰۰	۰/۴۳۹	۵۳۹	حقوق مربوط به حفظ امنیت جسمانی و روانی و برخورداری از تدابیر حمایتی
۰/۰۰۰	۰/۳۱۳	۵۳۹	حقوق مربوط به حفظ حریم خصوصی و حیثیت اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۲۵۸	۵۳۹	حقوق مربوط به تضمین حقوق مالی
۰/۰۰۰	۰/۴۳۴	۵۳۹	حقوق دفاعی متهم
۰/۰۰۰	۰/۳۶۰	۵۳۹	حق برخورداری از معاضدتهای قضایی

براساس آزمون همبستگی پیرسون، بین میزان رعایت و میزان اهمیت مؤلفه‌ها همبستگی معناداری به دست آمد؛ اما با توجه به ضریب همبستگی می‌توان گفت که رابطه قوی بین میزان اهمیت و رعایت وجود ندارد.

### ۶. نتیجه‌گیری

این مطالعه به منظور سنجش میزان رعایت حقوق شهروندی متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی توسط ضابطان قضایی و استخراج مصداقهای حقوق شهروندی متهمان (وظایف ضابطان نسبت به متهمان) در مرحله تحقیقات مقدماتی و بررسی میزان اهمیت این حقوق انجام شده است. پس از بررسی مفاهیم «حقوق شهروندی» و «مرحله تحقیقات مقدماتی» و جایگاه این مرحله در فرایند رسیدگیهای کیفری، اصول بنیادین حامی متهم و مصداقهای این حقوق در مرحله تحقیقات مقدماتی مشخص شد و سرانجام پس از صحت سنجی موارد، توزیع پرسشنامه، تحلیل موارد و مقایسه با داده‌های استخراجی از سامانه میزان ناجا نتایج ذیل به دست آمد:

از دیدگاه جامعه آماری تحقیق (کارکنان رده‌ها و بخشهای مختلف ناجا) میزان اهمیت و میزان رعایت مؤلفه‌های ششگانه و مصداقهای حقوق شهروندی متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی از حد متوسط بیشتر است. بر اساس تحلیل توصیفی از میان مؤلفه‌های ششگانه پژوهش، بیشترین

میزان رعایت مربوط به «حقوق مربوط به تضمین حقوق مالی» با میانگین ۴/۳۴ و کمترین میزان رعایت مربوط به «حق برخورداری از معاضدتهای قضایی» با میانگین ۳/۹۹ است. درباره گویه‌ها (مصادقها) نیز بیشترین میزان رعایت به «حق استرداد اموال» با میانگین ۴/۴۶ و کمترین میزان رعایت به «حق داشتن وکیل تسخیری در صورت عدم تمکن» با میانگین ۳/۹۰ مربوط است.

بر اساس تحلیل توصیفی از میان مؤلفه‌های ششگانه پژوهش، کمترین میزان اهمیت به «حقوق دفاعی متهم» با میانگین ۳/۴۷ و بیشترین میزان اهمیت به «حقوق مربوط به تضمین حقوق مالی» با میانگین ۴/۶۰ مربوط است. در مورد گویه‌ها (مصادقها) نیز کمترین میزان اهمیت مشترکاً به «حق منع اغفال و پرسش‌های تلقینی» و «ممنوعیت شنود و کنترل ارتباطات مخابراتی» با میانگین ۴/۲۹ و بیشترین میزان اهمیت به «عدم مداخله خودسرانه در حریم خصوصی» با میانگین ۴/۶۵ مربوط است.

بر اساس تحلیل استنباطی در تمامی مؤلفه‌های ششگانه حقوق شهروندی متهمان، همبستگی معنی‌داری بین میزان رعایت و میزان اهمیت وجود دارد و لیکن با توجه به ضریب همبستگی می‌توان گفت که رابطه قوی بین میزان اهمیت و رعایت وجود ندارد؛ یعنی میزان اهمیت و میزان رعایت حقوق شهروندی از دید ضابطان یکسان نیست و در تمامی مصداقهای مشخص شده، میزان رعایت از میزان اهمیت کمتر است؛ به بیان دیگر به رغم آگاهی اجمالی ضابطان نسبت به اهمیت حقوق ۳۱ گانه مندرج در پرسشنامه، میزان رعایت این حقوق از نظر آنها در سطح پایینی قرار دارد.

## ۷. پیشنهادهای کاربردی

- با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاد می‌شود مرکز رسیدگی به شکایات بازرسی کل ناجا مصداقهای حقوق شهروندی متهمان را در مرحله تحقیقات مقدماتی، که در سامانه میزان بازرسی کل ناجا ثبت شده است مطابق با مصداقهای مشخص شده توسعه دهد و مصداقهایی که کلی است (محروم کردن اشخاص از حقوق مقرر در قانون اساسی) از سامانه حذف کند و مصداقهایی که از نظر مفهومی تداخل دارد («توقیف و حبس غیرقانونی» و «صدور دستور تعقیب و توقیف غیرقانونی یا بازداشت افراد بدون مجوز قانونی») جداسازی و ادغام کند.
- در حوزه قوانین و مقررات خلأهای قانونی مرتبط با حقوق شهروندی متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی استخراج، و از طریق معاونت حقوقی و امور مجلس ناجا پیشنهاد ارائه طرح یا لایحه به منظور تقنین عرضه شود و در مواردی که قانون کارآمدی لازم را ندارد،

پیشنهاد اصلاح و تقویت قانون داده شود. از سوی دیگر، ضروری است قانونگذار نیز ضمانت اجراهای نقض این حقوق را در موارد پیش‌بینی نشده، تدارک کند.

- با عنایت به لزوم دستیابی بموقع به نقاط ضعف و قوت رعایت حقوق شهروندی متهمان توسط پلیس معاونت تربیت و آموزش ناجا در اقدامی تأسیسی نسبت به توسعه فناوری و طراحی سامانه‌ای پایشی در حوزه‌های ستاد و صف به منظور سنجش مستمر میزان رعایت حقوق شهروندی متهمان و مشخص کردن نقاط ضعف و قوت و بازخوردگیری مستمر از اثربخشی آموزشها و کارگاه‌های برگزار شده اقدام شود تا از این رهگذر، امکان شناسایی نقاط ضعف و سیاستگذاری و برنامه‌ریزیهای کارآمد و تعاملات هدفمند با دیگر دستگاه‌ها و نهادهای مربوط فراهم شود.

- با توجه به نتایج تحقیق، مصداقهای رعایت حقوق شهروندی متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی، که در سامانه میزان بازرسی کل ناجا ثبت شده و مقایسه آنها با مصداقهای مشخص شده و داده‌های پرسشنامه‌های تحقیق، مبین این است که به رغم اهمیت مرحله تحقیقات مقدماتی و ارتباط نزدیک پلیس به عنوان ضابط قضایی با حقوق شهروندی متهمان و اثبات این مطلب از طریق تحلیل آماری، که میزان رعایت این حقوق در سطح مطلوبی قرار ندارد و تنها چند مورد محدود از عناوین حقوق شهروندی متهمان در این سامانه به عنوان جرم طراحی شده (صدور دستور تعقیب و توقیف غیر قانونی یا بازداشت افراد بدون مجوز قانونی، محروم کردن افراد از حقوق مقرر در قانون اساسی، اذیت و آزار متهم برای کسب اقرار، توقیف (حبس) غیر قانونی و ورود غیرقانونی به منازل) و نسبت به دیگر مصداقها مسکوت است.

- توضیح اینکه بیشترین فراوانی جرائم، به ایراد ضرب و جرح ناظر است که خود عنوان مجرمانه‌ای است که می‌تواند از سوی پلیس نسبت به همه افراد جامعه (اعم از متهم و غیر متهم) قابل ارتکاب باشد؛ به بیان دیگر، به جرائمی ناظر است که پلیس در راستای وظایف سازمانی هنگام خدمت، خارج از خدمت، متصل به خدمت یا به مناسبت آن ممکن است انجام دهد؛ لذا پیشنهاد می‌شود با توجه به تصویب قانون جدید آیین دادرسی کیفری به همراه اصلاحات سال ۹۴ و منشور حقوق شهروندی توسط ریاست جمهوری در سال ۹۵، که متضمن حفظ و تأمین هر چه بیشتر حقوق شهروندی است در سامانه میزان، بخش ویژه‌ای درباره مصداقهای متعدد حقوق شهروندی متهمان توسط مرکز رسیدگی به شکایات بازرسی کل ناجا طراحی شود تا از این رهگذر ضمن رفع نواقص موجود و تأمین حقوق

شهروندی متهمان و جلوگیری از نقض آنها، که مورد تأکید اسناد بالادستی قرار گرفته است، گامی در اجرای هر چه بهتر عدالت برداشته شود.

- درباره استانداردسازی رفتار پلیس به عنوان ضابط قضایی نسبت به رعایت حقوق شهروندی متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی شاخصهای رعایت حقوق شهروندی توسط پلیس مشخص شده است و مهارت کارکنان پلیس با برنامه‌ریزیهای کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت و برگزاری کارگاه‌های آموزشی ارتقا یابد.
- با عنایت به داده‌های استخراجی از سامانه میزان در ضوابط، معیارها و فرایندهای جذب و گزینش کارکنان ناجا بازنگری صورت پذیرد و اولویتها و برنامه‌ریزیهای اصلاحی متناسب با رسته‌های مختلف و اقتضانات خاص هر استان و منطقه انجام شود.
- در بحث تبیین حقوق و تکالیف متقابل مردم و پلیس و تبدیل به پلیس جامعه‌محور و پاسخگو به معنای واقعی کلمه و تبدیل مردم به مردم متعهد و قانونمدار، برنامه‌ریزیها، آگاهی‌بخشی‌ها و فرهنگ‌سازیهایی لازم به عمل آید.

## ۸. سپاسگزاری

از کلیه کارکنان مرکز تحقیقات کاربردی بازرسی کل ناجا که ما را در امر تدوین این مقاله یاری رسانده‌اند تقدیر و تشکر می‌نماییم.

## فهرست منابع

- اردبیلی، محمدعلی؛ امیرارجمند، اردشیر؛ سید فاطمی؛ قاری، سید محمد و جاوید، محمدجواد (بهار ۱۳۸۶)، «چیستی و چرایی حقوق شهروندی؛ از نظریه تا قانون»، فصلنامه حقوقی دادگستری، ش ۵۸، ص ۲۴ تا ۴۶.
- استفانی، گاستون؛ لواسور، ژرژ و بولوک، برنار. «آیین دادرسی کیفری»، ترجمه: دکتر حسن دادبان، ج ۱، ناشر: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷.
- اسکندری، خسرو و نیکخو، رامین. «آسیب‌شناسی قوانین مربوط به حقوق شهروندی و ارائه پیشنهادهای کارآمد با تأکید بر وظایف و اختیارات کارکنان ناجا»، فصلنامه حقوقی انتظامی، دوره ۱، ش ۱.
- آخوندی (۱۳۷۲-۱۳۷۴)، محمود، «آیین دادرسی کیفری»، ج ۱ و ۲، انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۰)، «دانشنامه سیاسی»، چ چهاردهم، انتشارات ققنوس.
- آشوری، محمد (۱۳۷۹)، «آیین دادرسی کیفری»، ج ۲، انتشارات سمت.
- باقری، علی احمد (۱۳۹۵)، «نقش ضابطین دادگستری در رعایت حقوق شهروندی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی»، ماهنامه دادرسی، ش ۱۱۴، س نوزدهم.
- بیرانوند، رضا؛ جعفر، کوشا؛ هاشمی، حمید و رنجبر، بهرام (۱۳۸۹)، «وظایف پلیس شهروند مدار در رعایت حقوق شهروندی متهمان»، مجله دانش انتظامی، دوره ۱۲، ش ۳ (مسلسل ۴۸).
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. «ترمینولوژی حقوق»، انتشارات گنج دانش، چ ششم، ۱۳۷۲.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۸)، «مبسوط در ترمینولوژی حقوق»، چ چهارم، انتشارات گنج دانش، چ اول.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۲)، «وسیط در ترمینولوژی حقوق»، انتشارات گنج دانش، چ پنجم.
- خالقی، علی (۱۳۹۵)، «نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری»، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش.



- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، «لغت نامه دهخدا»، ج دوازدهم، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چ اول از دوره جدید.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، «لغت نامه دهخدا»، ج نهم، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چ اول از دوره جدید.
- رضوی، محمد و خزایی، سید علی (۱۳۸۶)، «حقوق شهروندی در فرایند کشف جرم»، مجله دانش انتظامی، دوره ۹، ش ۴ (مسلسل ۳۶).
- ساریخانی، عادل (۱۳۹۷)، «حقوق شهروندی متهم در تعامل پلیس در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴»، فصلنامه علمی پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، دوره ۱۳، ش ۴۹.
- صدری افشار، غلامحسین و حکمی، نسرین (۱۳۹۱)، «فرهنگ بزرگ فارسی»، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۴)، «حقوق اداری»، انتشارات سمت.
- طوسی، فخار (۱۳۹۱)، «حقوق متهمان (بررسی فقهی - حقوقی)»، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۵۲)، «حقوق جنایی»، تهران: چاپخانه بانک ملی، ج چهارم.
- عمید، حسن، «فرهنگ فارسی»، ج دوم، انتشارات اشجع با همکاری میکائیل، چ اول، ۱۳۸۹.
- فالکس، کیث. «شهروندی»، ترجمه محمدتقی دلفروز، انتشارات کویر، تهران، ۱۳۸۱.
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۸۲)، «بایسته‌های حقوق اساسی»، تهران، انتشارات میزان.
- قبلی، ژاله (۱۳۹۴)، «تحقیقات مقدماتی و حقوق دفاعی متهم در آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- لیپست، سیمور مارتین، «دایره المعارف دموکراسی» ترجمه فانی، کامران و مرادی، نور الله، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، «نظام حقوق زن در اسلام»، انتشارات صدرا.
- مقیمی، مهدی و نیاز خانی، مرتضی (۱۳۸۹)، «حقوق شهروندی متهمان در مرحله کشف جرم توسط پلیس»، مجله کارآگاه، دوره ۲، س ۴، ش ۱۳.

- James E.clapp,(2003). **Dictionary of the Law**, Random House Webster, New York, 2ed.
- T.H.Marshall, (1950) .citizenship and social class.
- William J Stewart, (2001).**Collins dictionary of law**, Harper Collins Publishers, 2.ed.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرہنجی  
پرتال جامع علوم انسانی

